مولود با برکت

تو گل گلواژه‌هاي شعر صدها چون كميتي *** من گداي خانه‌زادم، تو جواد اهل بيتي
تو وليعهد عزيز پادشاه ارض طوسي *** تو يكي يكدانه ماهِ خانه شمس الشموسي
امام جواد عليه‌السلام در يک نگاه(1) گشود، و شهر مدينه و عالم را با نور خويش روشن نمود.
پدر بزرگوارش حضرت رضا عليه‌السلام و مادر ارجمندش بانوي مصري تباري به نام "سبيكه" است كه از خاندان "ماريه قبطيه"، همسر پيامبر اسلام صلي‌الله‌عليه‌وآله ، به شمار مي‌رود؛ بانويي كه از نظر فضائل اخلاقي، در درجه والايي از انسانيت قرار داشت و برترين زنان زمان خود بود؛ به طوري كه امام رضا عليه‌السلام از او به عنوان بانويي منزه و پاكدامن و با فضيلت ياد مي‌كرد. "ريحانه" و "خيزران" از ديگر نامهاي مادر امام جواد عليه‌السلام است.
حضرت در مجموع دوران امامت خود با دو خليفه عباسي، يعني مأمون (193 ـ 218) و معتصم (218 ـ 227) معاصر بوده است.(2)
مراسم ولادت حضرت رضا عليه‌السلام پيشاپيش خبر ولادت فرزندش امام جواد عليه‌السلام را به اطرافيان داده بود، از جمله: شبي خواهرش حكيمه خاتون را احضار نمود و فرمود: "اي حكيمه! امشب فرزند با بركت خيزران متولد مي‌شود كه تو بايد در نزد او حاضر باشي." آن‌گاه فرمود: "فَاِذا هِيَ وَلَدَتْ فَاَلْزِميها سَبْعَهَ ايّامٍ؛(3) هرگاه او (خيزران) زايمان نمود، هفت روز همراه او باش."
حكيمه خاتون مي‌گويد: پاسي از شب گذشت تا اينكه نوزاد رضا عليه‌السلام در حالي كه پرده نازک نوراني بر او پوشيده بود، به دنيا آمد و نوري از او ساطع بود كه تمام حجره را روشن نمود؛ به گونه‌اي كه از نور چراغ بي‌نياز شديم. آن نوزاد نوراني را در دامن خود گذاشتم و پرده را از خورشيد جمالش كنار زدم.(4) حكيمه اضافه مي‌كند: در لحظه‌اي كه امام جواد به دنيا آمد، فرمود: "اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اللّه وَاَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ اللّه(5)؛ گواهي مي‌دهم كه خدايي غير از خداي يگانه نيست، و به راستي محمد صلي‌الله‌عليه‌وآله رسول خدا است."
و در روز سوم ولادتش وقتي عطسه كرد، فرمود: "اَلْحَمْدُ للّهِ وَصَلّي اللّه عَلي مُحَمَّدٍ وَعَلَي الاَئِمّهِ الرّاشِدين(6)؛ ستايش مخصوص خداست و درود خدا بر محمد و امامان هدايتگر باد."
حكيمه وقتي اين جملات را از امام جواد عليه‌السلام شنيد با شتاب نزد امام رضا عليه‌السلام رفت و عرض كرد از اين طفل عجايبي ديدم. حضرت فرمود: آن عجايب چيست؟ حكيمه جملات لحظه ولادت و هنگام عطسه حضرت را بيان نمود. حضرت رضا فرمود: "يا حَكيمهُ، ماتَرَوْنَ مِنْ عَجائِبِه اَكْثَرُ(7)؛ اي حكيمه! [در آينده] عجايب بيشتري از او خواهيد ديد."
امام جواد عليه‌السلام از ديدگاه ديگران 1. محمد بن طلحه شافعي (م ـ 652 ه.) مي‌گويد: "وَاِنْ كانَ صَغيرَ السنِّ فَهُوَ كَبير الْقَدْرِ رَفيعُ الذِّكْرِ(8)؛ هرچند او (امام جواد) سن كمي داشت، ولي بزرگ‌مقدار و بلند آوازه بود."
2. ابن حجر ميثمي مي‌گويد: "مأمون او رابه دامادي انتخاب كرد، زيرا با وجود كمي سن از نظر علم و آگاهي و حلم بر همه دانشمندان برتري داشت."(9)
است."(10)
داريم.
مولود با بركت در خانواده امام هشتم، و محافل شيعيان، از حضرت جواد عليه‌السلام به عنوان مولودي با بركت ياد مي‌شد و اين شهرت نيز ريشه در كلام خود امام هشتم عليه‌السلام دارد كه بارها اين مسئله را يادآوري

نموده‌اند که به نمونه‌هايي اشاره مي‌شود:

1. "ابويحياي صنعاني" مي‌گويد: روزي در محضر امام رضا عليه‌السلام بودم، فرزندش ابوجعفر را که خردسال بود آوردند: حضرت فرمود: "هذَا الْمَوْلُودُ الَّذي لَمْ يُولَدْ مُوْلُودٌ اَعْظَمُ بَرَكَةً عَلي شيعَتِنا مِنْهُ(11)؛ اين مولودي است که با برکت‌تر از او براي شيعيان ما زاده نشده است."

2. "ابن اسباط" و "عبّاد بن اسماعيل" مي‌گويند: خدمت امام رضا عليه‌السلام بوديم که ابوجعفر امام جواد عليه‌السلام را آوردند، عرض کرديم: اين همان مولود پر خير و برکت است؟ حضرت فرمود: "بله! اين همان مولودي است که در اسلام با برکت‌تر از او زاده نشده است."(12)

نشده است."(13)

(14)

انکار مي‌کردند.

گواه و شاهد اين تحليل، اعتراض "حسين بن قياما واسطي" به امام در اين مورد و پاسخ آن حضرت است. "ابن قياما" که از سران واقفيه بوده است، طي نامه‌اي امام رضا عليه‌السلام را متهم به عقيمي کرد و نوشت: چگونه ممکن است امام باشي، در صورتي که فرزند نداري! حضرت در پاسخ نوشت: "از کجا مي‌داني که من داراي فرزندي نخواهم بود؟" در ادامه فرمود: "وَاللّهِ لا تَمْضي الايّامُ وَاللَّيالي حَتّي يَرْزُقَنِيَ اللّهُ وَلَدا ذَكَرا يَفْرُقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ(15)؛ به خدا سوگند! بيش از چند روز و شب نمي‌گذرد که خداوند فرزند پسري روزي من مي‌گرداند که به وسيله او بين حق و باطل جدايي مي‌افتد."

اين سم‌پاشي تبليغي از طرف واقفيه، منحصر به يک مورد نبوده است، بلکه به مناسبتهاي مختلف و موارد متعدد و گوناگون تکرار مي‌شده است و امام هشتم عليه‌السلام نيز به آنان جواب مي‌داده، از جمله فرموده است: "واللّهِ لاَتَمضي الايّامُ وَاللَّيالي، حَتّي يُولَدُ ذَكر مِنْ صُلْبي يَقُومُ مِثْلَ مَقامي يُحْيي الْحَقَّ وَيُمْحي الْباطِلَ(16)؛ به خدا سوگند! شب و روزهايي نخواهند گذشت مگر آنکه فرزندي از نسل من به دنيا مي‌آيدو جاي من قرار گرفته، حق را زنده و باطل را نابود مي‌کند."

به اين جهت، امام هشتم عليه‌السلام و شيعيان سخت در فشار دشمنان قرار داشتند تا آن روزي که حضرت جواد عليه‌السلام پا به دنيا گذاشت و با نور وجودش به تمام سم‌پاشيها و تبليغها خاتمه داد، و پيش‌بينيهاي پدر بزرگوارش نيز به وقوع پيوست، و موضع امام هشتم عليه‌السلام و شيعيان که از اين نظر در تنگنا بودند، تقويت گرديد و وجهه تشيع بالا رفت."(17)

(18)

و جانشين خود قرار دادم."

سم‌پاشيها وسوسه‌ها و سم‌پاشيهاي مخالفان خاندان امامت و واقفيه درباره حضرت رضا عليه‌السلام و امام جواد عليه‌السلام به حدّي بود که حتي پس از ولادت حضرت جواد عليه‌السلام که همه مخصوصا واقفيه خلع سلاح شده بودند گروهي از خويشان آن حضرت را وادار نمودند که ادعا کنند حضرت جواد عليه‌السلام فرزند علي بن موسي عليهماالسلام نيست.!

آنان در اين تهمت ناجوانمردانه و دور از اسلام، شبهه عوام فريبانه عدم شباهت ميان پدر و فرزند را از نظر رنگ مطرح نمودند، و گندمگوني صورت حضرت جواد عليه‌السلام را بهانه قرار داده، گفتند: در ميان ما، امام گندمگون وجود نداشته است. حضرت رضا عليه‌السلام فرمود: "هُوَ اِبْني؛ او فرزند من است." آنان [بر خلاف واقع] گفتند:

پيامبر اسلام صلي‌الله‌عليه‌وآله با قيافه‌شناسي داوري كرده است، بايد بين ما و تو قيافه‌شناسان داوري كنند!
حضرت (ناگزير) فرمود: شما در پي آنان بفرستيد، ولي من اين كار را نمي‌كنم، اما به آنان نگوييد براي چه دعوتشان كرده‌ايد.
يک روز بر اساس قرار قبلي، عموها، برادران و خواهران حضرت رضا عليه‌السلام در باغي نشسته و آن حضرت در حالي كه جامه‌اي گشاده و پشمين بر تن و كلاهي بر سر و بيلي بر دوش داشت، در ميان باغ به بيل زدن مشغول شد؛ گويي كه باغبان است و ارتباطي با حاضران ندارد.
آن‌گاه حضرت جواد عليه‌السلام را حاضر كردند و از قيافه‌شناسان درخواست نمودند كه پدر وي را از ميان آن جمع شناسايي كنند، آنان به اتفاق گفتند: پدر اين كودک در اين جمع حضور ندارد؛ اما اين شخص، عموي پدرش و اين عموي خود او و اين هم عمه اوست. اگر پدرش نيز در اينجا باشد، بايد آن شخصي كه در ميان باغ بيل بر دوش گذاشته است، باشد؛ زير ساق پاهاي اين دو به يک گونه است!
در اين وقت امام رضا عليه‌السلام به جمع آنان پيوست، قيافه‌شناسان به اتفاق گفتند: پدر او، اين است. در اين هنگام، علي بن جعفر از جا برخاست و بر لبهاي حضرت جواد عليه‌السلام بوسه زد و آب دهان حضرت را مكيد و عرض كرد: "اَشْهَدُ اَنَّکَ اِمامي(19)؛ گواهي مي‌دهم كه تو امام من [بعد از پدرت] هستي."
بدين ترتيب، با وجود با بركت حضرت جواد عليه‌السلام اين توطئه مخالفان امامت نيز منجر به شكست شد.
مناظرات با بركت از آنجا كه امام جواد عليه‌السلام نخستين امامي بود كه در خردسالي به منصب امامت رسيد(20)، حضرت مناظرات و گفتگوهايي داشته است كه برخي از آنها بسيار مهم و مفيد بوده است. راز وجودي اين مناظرات اين بود كه از يک طرف امامت او به خاطر كمي سن براي بسياري از شيعيان كاملا ثابت نشده بود (هرچند بزرگان و آگاهان شيعه در امامت او هيچ ترديدي نداشتند)؛ از اينرو، براي اطمينان خاطر و به عنوان آزمايش سؤالات فراواني از آن حضرت مي‌كردند.
و از طرف ديگر، در آن دوران، قدرت "معتزله" افزايش يافت و مكتب اعتزال (افراطي‌گري در بهره‌وري از عقل) رونق يافته بود و حكومت وقت نيز از آنان پشتيباني مي‌كرد. از طرف اين گروه سؤالات عقلي دشواري مطرح مي‌شد تا به پندار خامشان، حضرت را در ميدان رقابت علمي شكست دهند(21).
شده بود كه خردسالي مانع منصب امامت نمي‌شود.
مناظره او با يحيي بن اكثم و اثبات حقانيت حضرت، و ناتواني يحيي، و مناظره او با ابن ابي داود، و قاضي القضات و غلبه حضرت بر آنها از اين نمونه مناظرات است.(22)
مي‌گردد.
در اين زمان نيز يكي از حربه‌هاي دشمن همين است. ما بايد با پاي فشردن بر حق، از اين دسيسه نترسيم و معتقد باشيم كه با ماندن ما بر صراط حق، افتراهاي دشمن نيز رنگ خود را خواهد باخت.
سخنان با بركت حسن ختام مقال را با برخي سخنان زيبا و با بركت آن حضرت زينت مي‌دهيم.
1. سه عمل نيک: حضرت فرمود: "ثَلاثٌ مِنْ عَمَلِ الاَبْرارِ: اِقامَهُ الْفَرائِضِ وَاجْتِنابُ الْمحارِمِ وَاحْتِراسٌ مِنَ الْغَفْلَهِ فِي الدِّينِ(23)؛ سه [چيز] از اعمال نيک انسان شمرده مي‌شود: برپايي (انجام) واجبات، دوري از محرمات، دوري و پرهيز از غفلت در دين."
2. سه نيازمندي مؤمن: امام جواد عليه‌السلام فرمود: "اَلْمُؤْمِنُ يَحْتاجُ اِلي ثَلاثِ خِصالٍ تَوْفيقٍ مِنَ اللّهِ وواعظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ(24)؛ مؤمن به سه چيز نيازمند است: توفيقي از خداوند، واعظي از درون، و پذيرش

نصيحت از ديگران."
3. سه راه جذب ديگران: حضرت جواد عليه‌السلام فرمود: "ثَلاثُ خِصالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: اَلاِنْصافُ فِي الْمُعاشِرَهِ وَالْمُواساهُ فِي الشِّدَّهِ وَالاِنْطواعِ والرُّجوعُ علي قَلْبٍ سَليمٍ(25)؛ با سه چيز مي‌تواني جلب محبت ديگران كني: انصاف داشتن در برخوردها، همدردي با ديگران در سختيها و راحتيها، و داشتن قلب سليم."
4. نشانه كمال ايمان: حضرت فرمود: "اَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فيهِ اِسْتَكْمَلَ الايمانَ؛ مَنْ اَعْطي للّهِ وَمَنَعَ في اللّهِ وَاَحَبَّ للّهِ وَاَبْغَضَ فيهِ(26)؛ چهار چيز در هر كس باشد، ايمانش كامل شده است: كسي كه براي خدا عطا (و انفاق) كند و در راه خدا منع كند، و براي خدا دوست بدارد و در راه خدا بغض بورزد."
پاورقي ها1. تاكنون درباره امام جواد عليه‌السلام در مجله مبلغان، مقالات ذيل به چاپ رسيده است: نگاهي به سيره تبليغي امام جواد عليه‌السلام ، محمد حاج اسماعيلي، شماره 2، ذي‌قعده 1420 ه.ق. مناظره‌اي از امام جواد عليه‌السلام ، سيدجواد حسيني، شماره 33، رجب 1423، ه.ق. امام جواد عليه‌السلام غريب بغداد، محمد عابدي، شماره 49، ذي‌قعده 1424، ه.ق. ماجراي شهادت امام محمدتقي عليه‌السلام ، سيدمجتبي اهري، شماره 37، ذي‌قعده 1423، ه.ق. امام جواد عليه‌السلام ، پاسدار حريم وحي، عبدالكريم پاك‌نيا، شماره 45، رجب 1424، ه.ق.
2. ر.ك: اعلام الوري، طبرسي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ص344؛ منتهي الامال، شيخ عباس قمي، كتابفروشي اسلاميه، ج1، ص217؛ الارشاد، شيخ مفيد، قم، مكتبه بصيرتي، ص.316
3. منتهي الامال، ج1، ص218؛ و نيز ر.ك: اعلام الهدايه، المجمع الهاشمي لاهل البيت، چاپ اول، ج11، ص.28
4. منتهي الامال، ص.218
5. اعلام الهدايه، ص.28
6. همان.
7. همان، ج11، ص28 و ر.ك: مستدرک العوالم، ج23، ص151 ـ .152
8. مطالب السؤول، ص239؛ فصول المهمه، ص.252
9. الصواعق المحرقه، ص.205
10. تذكره الخواص، ص358 ـ .359
11. اصول كافي، ج1، ص321؛ الارشاد، شيخ مفيد، ص319؛ اعلام الوري، طبرسي، ص347؛ كشف الغمه، اربلي، ج3، ص.143
12. بحارالانوار، ج50، ص.20
13. فروع كافي، دارالكتب الاسلاميه، ج6، ص361؛ الامام الجواد من المهد الي اللحد، سيدكاظم قزويني، مؤسسه البلاغ، ص.337
14. ر.ك: صحيح مسلم، ج6، ص3؛ ينابيع الموده، سليمان بلخي، ص446 و ر.ك: الملل و النحل، جعفر سبحاني، ج6، ص58 ـ .61
15. اصول كافي، مكتبه الصدوق، ج1، ص320؛ الارشاد، ج2، ص277؛ كشف الغمه، ص.142
16. رجال كشي، ص463؛ كشف الغمه، ص142 و ر.ك: سيره پيشوايان، مهدي پيشوايي، ص531 ـ .532
17. ر.ك: الامام الجواد من المهد الي اللحد، سيدكاظم قزويني، چاپ اول، ص337؛ سيره پيشوايان، ص.532
18. اصول كافي، ج1، ص321؛ اعلام الهدايه، ج11، ص.20

19. اصول كافي، كليني، مكتبه الصدوق، ج1، ص322؛ سيره پيشوايان، ص533 ـ 534.

20. بعد از امام جواد عليه‌السلام فرزندش امام هادي عليه‌السلام و بعد از او امام زمان عليه‌السلام نيز در كودكي به اين منصب نائل شده‌اند.

21. ر.ك: سيره پيشوايان، ص534 ـ 535.

22. ر.ك: الاحتجاج، طبرسي، مطبعه المرتضويه، ص135 ـ 245.

23. بحارالانوار، ج75، ص81.

24. همان، ج75، ص358.

25. همان، ج75، ص82؛ كشف الغمه، ج2، ص349.

26. همان، ج75، ص81.